

جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی*

Exploring Health models of Iranian Family: A Qualitative Study

L. Panaghi, M.D.

دکتر لیلی پناغی ✉

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

A. Zadeh Mohammadi, Ph.D.

دکتر علی زاده محمدی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

F. Bagherian, Ph.D.

دکتر فاطمه باقریان

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

Sh. Pakdaman, Ph.D.

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

Z. Ahmadabadi, M.A.

زهره احمدآبادی

کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

S. Mohammadi, M.A.

سمیه محمدی

کارشناسی ارشد خانواده درمانی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۸

Abstract

The aim of this study was to determine the Iranian families' view on the concept of "family Health". The study was done by qualitative method and samples were collected through purposive sampling. Among 104 semi-structured interviews with different ethnic groups and geographic regions, 74-

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه‌های خانواده ایرانی درباره مفهوم سلامت خانواده انجام شد. روش تحقیق حاضر از نوع کیفی و نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود. از مجموع ۱۰۴ مصاحبه انجام شده در میان اقوام و مناطق مختلف ایران، ۷۶ مصاحبه از کیفیت مناسب جهت تحلیل داده‌ها برخوردار بود.

*این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی است که با حمایت مالی قطب علمی اسلامی خانواده صورت گرفته است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیکی: Lpanaghi@yahoo.com

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Faculty of Education & Psychology, Family Research Institute.
Email: Lpanaghi@yahoo.com

interviews recognized qualified to analyze. Colaizzi method was used for analyzing recorded data which led to categorizing family health into four classes: individual health, institutional health, interactional health, and social health. Comparing characteristics of healthy and unhealthy families in this study showed that based on Iranian families' opinion healthy family is objectivist and survival-involved, functional, religious, traditional, hierarchical, interdependent, pluralist, conservative, anxious and exhibitiv. Although, Iranian family tend toward modernism, but from perspective of participants in this study, unhealthy family has elements of modernity rather than tradition. It seems that ideal pattern for Iranian family is defined more appropriately as hierarchical and pluralist structure.

Keyword: healthy family, Iran, health pattern.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. با بررسی گزاره‌های ثبت شده می‌توان سلامت خانواده را در چهار طبقه جای داد: سلامت فردی، سلامت نهادی، سلامت تعاملی و سلامت جامعه‌ای. از مقایسه ویژگی‌های خانواده سالم و آسیب‌دیده در این پژوهش، می‌توان چنین گفت که در نظر خانواده ایرانی، یک خانواده سالم، خانواده‌ای مادی‌گرا و درگیر بقا، کارکردی، مذهبی، سنتی، سلسله‌مراتبی، وابسته متقابل، جمع‌گرا، محافظه‌کار، مضطرب و نمایشی است. اگرچه جامعه ایرانی نشانه‌هایی از حرکت به سوی نوگرایی را بروز می‌دهد، اما خانواده ناسالم به‌زعم شرکت‌کنندگان در این تحقیق، بیشتر دربرگیرنده عناصر مدرن است تا سنتی. به نظر می‌رسد الگوی ایده آل خانواده ایرانی در درون ساختار سلسله‌مراتبی و جمع‌گرایانه تعریف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده سالم، ایران، الگوی سلامت.

مدل رابطه ابعاد چشم‌انداز زمان و رضایت زناشویی با توجه به اثرات میانجی بهزیستی روان‌شناختی

The Model of Relationship Between Time Perspective Dimensions and Marital Satisfaction With Considering the Mediative Role of Psychological Wellbeing

S. Alizadehfard, Ph.D.

M. Mohamadnia, M.A.

F. G. Zimbardo, Ph.D.

دکتر سوسن علیزاده‌فرد[✉]

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

معصومه محمدنیا

کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

دکتر فیلیپ جورج زیمباردو

استاد روان‌شناسی دانشگاه استنفورد

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۵/۲/۱

پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۲۹

Abstract

This study was conducted to examine the relationship between time perspective dimensions and marital satisfaction with considering the mediative role of psychological wellbeing, through a path analysis model. Statistical samples of this study were 408 married women, 20 to 50 years old, from Tehran city that were selected through multi-phase clustering method. Research instruments were the Enrich's Marital Satisfaction Inventory, the Ryff's Psychological Well-Being Scale, and short form of

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه ابعاد چشم‌انداز زمان و رضایت زناشویی با توجه به نقش واسطه‌ای بهزیستی روان‌شناختی در قالب یک مدل تحلیل مسیر به انجام رسیده است. نمونه آماری این پژوهش عبارت بود از ۴۰۸ زن متأهل ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن شهر تهران که با استفاده از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر شامل پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ، بهزیستی روان‌شناختی ریف و فرم کوتاه چشم‌انداز زمان زیمباردو بود.

[✉]Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Human Sciences, Payame Noor University
Email: salizadehfard@gmail.com

[✉]نویسنده مسئول: دانشگاه پیام‌نور تهران، دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی
پست الکترونیکی: salizadehfard@gmail.com

of the Zimbardo's Time Perspective Inventory. Pearson's correlation coefficient and path analysis method were used to analyze data. The results showed an acceptable fitness in structural model. In addition, results indicated that Positive Past, Hedonistic Present and Future, with mediative role of psychological wellbeing, had positive and significant relationships with marital satisfaction, not only directly, but also indirectly. Also findings showed that Negative Past and Fatalistic Present, with mediative role of psychological wellbeing, had a negative and significant relationship with marital satisfaction, not only directly, but also indirectly. In conclusion, time perspective dimensions had an effect on marital satisfaction, and psychological wellbeing have a mediative role in their relationship, which can be tacitly applied in establishing marital interventions by experts and psychologists.

Keywords: time perspective, marital satisfaction, psychological wellbeing, path analysis.

برای تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین مشخص شد که گذشته خوب، حال لذت‌گرا و آینده، نه تنها به طور مثبت مستقیم، بلکه به طور مثبت و غیرمستقیم با واسطه بهزیستی روان‌شناختی بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند. به علاوه متغیرهای گذشته بد و حال منفعل به‌طور منفی مستقیم و همچنین به طور منفی و غیرمستقیم با واسطه بهزیستی روان‌شناختی بر رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند. از مجموع یافته‌ها نقش ابعاد چشم‌انداز زمان بر رضایت زناشویی و نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی تأیید شد که این امر دارای تلویحات کاربردی برای متخصصان و روان‌شناسان در تدوین مداخلات زناشویی است.

کلیدواژه‌ها: چشم‌انداز زمان، رضایت زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، تحلیل مسیر

نگرش زوجین نابارور به اهدای اسپرم: نقش باورهای مذهبی

Attitudes of infertile couples to sperm donation: the role of religious beliefs

N. Bagheri Lankarani, Ph.D.

دکتر نرگس باقری لنگرانی ✉

استادیار گروه اپیدمیولوژی و سلامت باروری، پژوهشگاه رویان

دریافت مقاله: ۹۴/۷/۲۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۱/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۲۰

Abstract

Half of infertile couples referring to health centers are infertile males. The aim of present study was considering the attitudes of infertile couples to sperm donation. This study is a qualitative content analysis research which concentrates on the opinions of the people who discuss about sperm donation in a cyberspace social network. In this field the opinions of jurists and scientific issues based on priorities of each available option for the treatment of infertility have been compared and prioritized.

✉Corresponding author: Department of Epidemiology and Reproductive Health, Reproductive Epidemiology Research Center, Royan Institute for Reproductive Biomedicine, ACECR, Tehran, Iran.

Email: narges.lankarani@gmail.com

چکیده

نیمی از زوجین نابارور مراجعه‌کننده به مراکز درمانی را مردان نابارور تشکیل می‌دهند. هدف از مقاله حاضر، نگرش زوج‌های نابارور نسبت به روش اهدای اسپرم است. تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوایی است که به بررسی نظرات افراد در مورد اهدای اسپرم در یک شبکه اجتماعی پرداخته است. در این حوزه به آرای فقها و مسائل علمی مبتنی بر گزینه‌های موجود برای درمان ناباروری و اولویت هر یک نسبت به دیگری پرداخته شده است. به منظور تحلیل این نگرش، با توجه به وجود محور مذهب و تأثیرات آن در نگاه و

✉ نویسنده مسئول: پژوهشگاه رویان، پژوهشکده زیست‌شناسی و علوم پزشکی تولید مثل جهاد دانشگاهی، مرکز تحقیقات اپیدمیولوژی باروری، گروه اپیدمیولوژی و سلامت باروری، تهران، ایران.

پست الکترونیکی: narges.lankarani@gmail.com

In order to analyze these attitudes, and according to the religion and its impact on the approach and decision making, particularly in the treatment of infertility as the completion of married life, the shadow of religion in decision-making is considered. Finally, three main themes and four sub-themes were extracted. Main themes are: the most frequent methods i.e. sperm donation, embryo donation and adoption. Due to the more negative view of sperm donation comparing to embryo donation it seems that the existence of sperm donation just increases the number of treatment options, but adds many restrictions in the whole Islamic community.

Keywords: Infertility, Sperm Donation, Egg donation, Embryo donation, Adoption.

تصمیم‌گیری افراد در زندگی خصوصاً در درمان ناباروری به عنوان تکمیل زندگی زناشویی، سایه مذهب در تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت ۳ تم اصلی و ۴ تم فرعی استخراج گردید. تم‌های اصلی: رایج‌ترین روش‌های اهدای اسپرم، اهدای جنین و فرزندخواندگی بودند. به علت وجود نگاه منفی‌تر به روش اهدای اسپرم نسبت به اهدای جنین به نظر می‌رسد وجود این روش تنها تعداد گزینه‌های درمانی را افزایش می‌دهد اما در کل محدودیت‌های بسیاری را در جامعه اسلامی می‌افزاید.

کلیدواژه‌ها: ناباروری، اهدای اسپرم، اهدای تخمک، اهدای جنین، فرزندخواندگی.

بررسی رابطه فرهنگ خانواده - کار و تداخل کار با خانواده از طریق حمایت سرپرست بلافصل بین کارکنان پلی اکریل ایران

Relationship Between Family-Work Culture with Work and Family Overlap Through Supporting Head Manager among the Personnel of Iranian Poly Acrylic Company

M. Hajrasuliha, M.A.

مرضیه حاجرسولی‌ها ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

H. R. Oreyzi, Ph.D.

دکتر حمیدرضا عریضی

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۹/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۲

Abstract

To resolve work-family conflict, creating a culture of work-family is important, in which managers should feel responsible for family life of employees and support them. The purpose of this study was to investigate relationship between work-family overlap with managers' support for families through supporting head managers. Method of study was descriptive and correlational with structural equation

چکیده

برای حل تعارض کار با خانواده ایجاد یک فرهنگ خانواده کار اهمیت یافته است که طبق آن مدیران باید خود را (در حدی که هستند) مسئول زندگی خانوادگی کارکنان دانسته و از آن حمایت کنند. هدف این پژوهش بررسی رابطه تداخل کار - خانواده و حمایت مدیر از زندگی خانواده از طریق حمایت سرپرست بلافصل می‌باشد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی با رویکرد مدل معادلات ساختاری و تفکیک اثرات مستقیم و غیرمستقیم است.

✉Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: mhajrasuliha@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روان‌شناسی
پست الکترونیکی: mhajrasuliha@yahoo.com

modeling approach and discriminating direct and indirect effects. The results showed that supporting family life through supporting head manager, highly improves work-family conflict. Based on the findings of this study, training managers to carry out social support to employees is demonstrated an effective intervention to actualize the work-family culture. However, training head manager to support their colleagues to equilibrate the work and family demands is more important.

Keywords: Work Culture, Conflict, Head Manager.

در این پژوهش یافته‌ها نشان داد که حمایت مدیر از زندگی خانواده از طریق حمایت سرپرست بلافصل، تعارض کار - خانواده را تا سطح بالایی بهبود می‌بخشد. بر مبنای یافته‌های این پژوهش آموزش مدیران برای انجام حمایت اجتماعی از کارکنان‌شان را می‌توان مداخله‌ای مؤثر برای اثربخش کردن فرهنگ خانواده کار دانست. اما مهم‌تر از آن آموزش سرپرستان بلافصل، برای حمایت از همکاران‌شان جهت تعادل‌بخشی بین تقاضاهای کار و خانواده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ کار، تعارض، سرپرست.

نقش عوامل خانوادگی در تبیین تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان

The Role of Family Factors in Explaining the Women's Conflict of Work and Family Roles

A. Afshani, Ph.D.

L. Hatfirad, M.A.

دکتر سیدعلیرضا افشانی ✉

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

لیدا هاتفیراد

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱
دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۵/۱/۲۸
پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۳۱

Abstract

This research aimed to investigate the relationship between family factors including socioeconomic status, family support, family attachment, family role overload, and family power structure with conflict of work and family roles among female employees in Yazd city. Research method was descriptive and correlational; and 323 female employees were selected by cluster sampling method. The work-family roles conflict scales, the perception of social support from family, the family involvement

چکیده

پژوهش حاضر درصدد رابطه بین عوامل خانوادگی شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، حمایت خانواده، تعلق خانوادگی، گرانباری نقش خانوادگی و ساختار توزیع قدرت در خانواده را با تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان شاغل در شهر یزد مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق، از نوع توصیفی - همبستگی است؛ و نمونه پژوهش با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از ۳۲۳ نفر از زنان شاغل انتخاب شده است. مقیاس‌های تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی، حمایت اجتماعی در خانواده، درگیری خانوادگی، گرانباری نقش خانوادگی، و ساختار قدرت در خانواده در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

✉ Corresponding author: Faculty of Social Sciences, Yazd University, Pajuhesh Conjunction, Sa-faieh, Yazd, Iran.
Email: afshanalireza@yazd.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: یزد، صفائیه، چهار راه پژوهش، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی
پست الکترونیکی: afshanalireza@yazd.ac.ir

questionnaire, the family roles overload scale, and the scale of power structure in family were used in this study. Data were analyzed by SPSS and AMOS. The Findings indicated that socioeconomic status, family support to employed member, family attachment and family power structure had significant and negative relationship with work and family roles conflict. In contrast there were significant and positive relationships between family role overload with work and family roles conflict. Thus, family factors have a very significant role in amount of work and family roles conflict and also can play an effective role in reducing the conflict-induced pressure and stress.

Keywords: Role Conflict, Role Overload, Women, Power Structure, Family.

داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و AMOS مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، حمایت اجتماعی خانواده از فرد شاغل، تعلق خانوادگی و ساختار توزیع قدرت در خانواده با تعارض میان نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان شاغل در شهر یزد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. در مقابل گرانباری نقش خانوادگی و تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی دارای رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار می‌باشند. بنابراین به طور کلی عوامل خانوادگی از جایگاه بسیار مهمی در میزان تعارض میان نقش‌های شغلی و خانوادگی برخوردار است و می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فشار و تنش روانی ناشی از این تعارض ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: تعارض نقش، گرانباری نقش، زنان، ساختار قدرت، خانواده.

مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد
زودازدواج و دیرازدواج

Comparing Happiness, Love Style and Alexithymia Among
Individuals Who Marry Early and Late

E. Soleimani, Ph.D.

M. Habibi, Ph.D.

M. SahebgharanFard,

دکتر اسماعیل سلیمانی ✉

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه

دکتر مجتبی حبیبی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

محمد صاحبقران فرد

Ms.C.

کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۷

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۵/۳/۳

پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۵

Abstract

The main objective of this study was to compare happiness, love style and alexithymia in individuals who marry early and late. From all couples who were living in Ardabil city, two groups of 50 early married (25 females and 25 males) and 50 late married (25 females and 25 males) individuals were selected through available sampling method.

✉ Corresponding author: Faculty of Humanities, Urmia University, Seda-Sima Str., Valfajr 1, Urmia, Iran,
Email: E.soleimani@urmia.ac.ir

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و افراد دیرازدواج بود. از بین جامعه آماری پژوهش حاضر که شامل کلیه زوج‌های ساکن شهر اردبیل بودند، ۵۰ آزمودنی زودازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) و ۵۰ آزمودنی دیرازدواج (۲۵ زن و ۲۵ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان دو گروه مورد مطالعه انتخاب شدند.

✉ نویسنده مسئول: ارومیه، والفجر ۱، خ صدا سیما، دانشگاه ارومیه،
دانشکده علوم انسانی
پست‌الکترونیکی: E.soleimani@urmia.ac.ir

The Oxford Happiness Inventory, the Hendricks Love Attitudes Scale and the Alexithymia Scale were used as tools of investigation. The method of study was causal-comparative and multivariate analysis of variance and Pearson correlation coefficient tests were used for analyzing data. The results showed that there are significant differences between happiness, love style and alexithymia mean scores in individuals who married early and late. Generally, mean scores of happiness, practical love, and friendship love styles were higher in the late married than the early married group. While, early married individuals gained significantly higher scores in passionate love, possessive-dependent love, difficulty of identifying and describing the feelings and concrete thinking in comparison to the late married individuals. Based on these results, it is suggested that family experts take into account the love styles of clients in family therapy.

Keywords: Happiness, Love Styles, Alexithymia, Late Married Individuals, Early Married Individuals.

فهرست شادکامی آکسفورد، آزمون سبک‌های عشق و مقیاس آلکسی‌تیمیا به عنوان ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. روش تحقیق پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات شادکامی، سبک‌های عشق و نارسایی هیجانی در افراد زودازدواج و افراد دیرازدواج تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به طوری که میانگین نمرات افراد دیرازدواج در متغیر شادکامی، سبک عشق واقع‌گرا و سبک عشق رفاقتی بیشتر از افراد زودازدواج بود. اما میانگین نمرات افراد زودازدواج در سبک عشق رمانتیک، سبک عشق وابسته، دشواری شناسایی و توصیف هیجان‌ات و تفکر عینی در مقایسه با افراد دیرازدواج به طور معناداری بیشتر بود. براساس این نتایج پیشنهاد می‌شود متخصصین خانواده در مراجعان زودازدواج و دیرازدواج این متغیرها را مدنظر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، سبک‌های عشق، نارسایی هیجانی، افراد زودازدواج، افراد دیرازدواج.

بازنمایی معنایی طلاق توافقی

Semantic Representation of Mutual-Consent Divorce

M. S. Mousavi, Ph.D. Student

مهری سادات موسوی ✉

معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۳/۲۹

پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۳۱

Abstract

This article discussed mutual-consent divorce in the context of thoughts and attitude of female applicants of this type of divorce with an inductive qualitative and ethnographic method. Based on the qualitative purposive sampling, 30 women of those who had referred for divorce to family court of Karaj, were selected and deeply interviewed. The results obtained in six major categories as follows: Rethinking the role of men as families' breadwinners, inappropriate sexual relationships, emotional conflicts, cultural-social dissensions, normative pressures of family and relatives, and personality and behavioral disorders. The core-oriented category of this study is "Women's attitude towards

چکیده

این مقاله به شیوه استقرایی و کیفی و با استفاده از روش مردم‌نگاری به مطالعه طلاق توافقی در بستر اندیشه و نگرش زنان متقاضی این نوع طلاق، پرداخته است. بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند با ۳۰ نفر از زنانی که برای طلاق توافقی به دادگاه خانواده شهرستان کرج مراجعه نموده بودند، مصاحبه عمیق انجام یافت. یافته‌های به دست آمده شامل شش مقوله عمده به شرح ذیل است: بازاندیشی در نقش مرد به عنوان نان‌آور خانواده، روابط جنسی نامطلوب، درگیری عاطفی، اختلافات فرهنگی - اجتماعی، فشار هنجاری اطرافیان و اختلافات شخصیتی و رفتاری. مقوله هسته - محوری این بررسی «جهت‌گیری زنان نسبت به طلاق توافقی» است که سایر مقولات عمده را در بر می‌گیرد و خود می‌تواند در تغییر و جهت‌دهی معنایی طلاق توافقی نزد زنان مؤثر واقع شود.

✉Corresponding author: Iranian Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR) Allameh Tabatabai Branch, First floor, Allameh Tabatabai building, north Aban, Karim Khan Zand Ave., Tehran, Iran.
Email: smousavi1@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران، خ کریمخان، نبش خ آبان شمالی، ساختمان دانشگاه علامه طباطبایی، ط اول، جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، معاونت پژوهشی
پست‌الکترونیکی: smousavi1@gmail.com

mutual-consent divorce" that includes other major categories and can semantically alter and redirect women's opinion about mutual-consent divorce. According to the results, the term of mutual-consent is thought-provoking in this type of divorce; because considering the situations which were led to mutual-consent divorce and quantifying them revealed that nearly 32% of mutual-consent divorces were not mutual in fact; since, these women accepted divorce with desperation, coercion and threat.

Keywords: Mutual-Consent Divorce, Semantic Representation, Others Normative Pressure, Improper Sexual Relations, Rethinking the Men role in Family.

با توجه به نتایج تحقیق، لفظ توافق در این گونه طلاق‌ها قابل تأمل است، زیرا تأمل در شرایط منجر به طلاق توافقی و کمی‌سازی مقولات، حاکی از آن بود که در نزدیک به ۳۲٪ طلاق‌های توافقی، واژه توافق برآورده نیست، زیرا زن کاملاً با اجبار و از روی استیصال، اجبار و تهدید تن به آن داده است.

کلیدواژه‌ها: طلاق توافقی، بازنمایی معنایی، فشار هنجاری اطرافیان، روابط جنسی نامطلوب، بازاندیشی در نقش مرد.

بررسی تعارض قانون حمایت خانواده و قانون مجازات اسلامی جدید از
جهت مسئولیت زوج در افضای زوجه نابالغ

**The Responsibility of a Husband Causing Fistula in His Minor
Wife: Conflicting Provisions of the Law?**

E. RostamiChelkasari, Ph.D.

دکتر عباداله رستمی چلکاسری[✉]

دانشیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

A. Ghasempur, M.A.

امین قاسم‌پور

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان

S. Khafee, M.A.

سعید خوافی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۵/۱/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۲۵

Abstract

Premature marriage has the potential of harming children. As such, recent laws have provided sanctions against this type of marriage to protect children's rights and well-being. This practice is praiseworthy in itself. According to Islamic narratives, the age of majority for marriage is 9 full lunar years for girls. However, the Iranian Legislature has specified this age to be 13 full solar years.

چکیده

ازدواج در سنین پایین، امکان اضرار به کودک را افزایش می‌دهد؛ لذا قوانین جدید در راستای حمایت از حقوق آنان در مقابله با ازدواج زودهنگام، ضمانت اجرا تعیین نموده‌اند. طبق روایات اسلامی، سن بلوغ نکاح دختران، ۹ سال تمام قمری است، ولی مقنن، این سن را به ۱۳ سال تمام شمسی افزایش داده است.

[✉]Corresponding author: Iran, Rasht, Khalij Fars Highway, University of Guilan, Department of Law
Email: e-rostamy@guilan.ac.ir

[✉]نویسنده مسئول: رشت، بزرگراه خلیج فارس، دانشگاه گیلان،
گروه حقوق

پست الکترونیکی: e-rostamy@guilan.ac.ir

Article 50 of the Family Protection Law passed in 2011 has specified blood-money and imprisonment for a husband in case of any physical harm to his under-age wife due to coitus, in cases where the marriage is without the consent of a guardian or court order. However, after a short duration of time, the Legislature enacted the Islamic Penal Code in 2012. This latter law entitles the under-age wife who suffers fistula- a clear example of the physical harm provision of the Family Protection Law- to receive alimony until the death of either spouse, in addition to the aforementioned diyya and dowry. By analytically comparing these laws, it is clear that the provisions of the Family Protection Law on fistula is still in effect and has not been superseded by the Islamic Penal Code. This study defines and delineates the responsibility of a husband in these types of marriages and seeks to promote and protect children's rights by analyzing the relevant provisions of the said laws.

KeyWords: Fistula, Immature, Child Marriage, Guardian's Consent, Rights of the Child.

قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ در ماده ۵۰ با توجه به قانون مدنی برای تزویج دختر زیر سن ۱۳ سال تمام شمسی با این قید که نکاح بدون اذن ولی و تشخیص دادگاه صورت گرفته باشد، در صورت ایجاد نقص عضو ناشی از نزدیکی، برای زوج دیه و حبس مقرر نموده است.

این در حالی است که مقنن، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، زوجه نابالغ را در صورت افضا شدن که از مصادیق بارز نقص عضو موضوع ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده است، علاوه بر دیه و مهریه، تا زمان فوت یکی از زوجین، مستحق نفقه دانسته است. در این مقاله، مشخص شد حکم قانون حمایت خانواده در موضوع مشترک افضا هم‌چنان باقی است و توسط قانون مجازات اسلامی نسخ نشده است. در راستای حمایت از حقوق کودک با توجه به تفاوت‌های این دو ماده، نویسندگان درصددند، میزان مسئولیت زوج را در این نوع نکاح، ترسیم نمایند.

کلیدواژه‌ها: افضا، نابالغ، ازدواج قبل از بلوغ، اذن ولی.

